



۲.....	مقدمه
۲.....	تقریر دوم از عدم تعلق حکم به خارج
۲.....	تقریر سوم از عدم تعلق حکم به خارج
۳.....	خلاصه



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در استدلال بر امتناع اجتماع امر و نهی، صاحب کفایه در مقدمه دوم فرمودند: متعلق احکام ما هو فی الخارج یصدر عنه است. و مرحوم اصفهانی در مقابل صاحب کفایه مطلبی فرمودند، که تقریباً کثیری از بزرگان بعد از ایشان در همان محورها سخن گفتند. ایشان فرمودند: خارج، به مفهوم وجود، و یا به مفهوم ایجاد، نمی تواند متعلق و معروض حکم باشد. و آنچه متعلق حکم است، عنوانی است که می خواهد حقیقت الوجود شود. بزرگانی مثل آقایان بروجردی، امام، صدر و از معاصرین آقای سبحانی، با تفاوتی در تقریرها، همین مطلب را بیان کرده اند.

تقریر دوم از عدم تعلق حکم به خارج

قسمتی از فرمایش مرحوم آقای بروجردی و امام، در استدلال بر جواز اجتماع، که با این مقدمه ارتباط دارد، عبارت است از اینکه نظریه مرحوم اصفهانی، صحیح است. و متعلق و موضوع، نمی تواند امر خارجی باشد. اما مرحوم اصفهانی فرمودند: متعلق، امر ذهنی از این حیث که فانی در خارج است، می باشد. اما تقریر این دو بزرگوار این است که طبیعتاً بما هی با غرض نظر از وجود ذهنی و خارجی، متعلق است. یعنی متعلق، ماهیت است. و مفهوم بعث این است که این ماهیت را تحصیل و ایجاد کن. و از طرفی ایجاد، متعلق حکم نیست، بلکه ایجاد، مستفاد از هیأت است. یا به عبارت دیگر غایت از بعث است. تعبیر دیگر این است که غایت، انبعاث عبد به ایجاد است. یعنی جزء هیأت و غایت بعث است نه اینکه متعلق بعث باشد. لذا متعلق بعث، وجود ذهنی و حتی وجود تقدیری که مرحوم اصفهانی می فرمود و همچنین وجود خارجی نیست، بلکه متعلق، ماهیت بما هی است. ایجاد، از هیأت إفعال برداشت می شود.

تقریر سوم از عدم تعلق حکم به خارج

در تقریر سوم مرحوم شهید صدر می فرمایند: متعلق، صورة ذهنیه بما هی فانیة فی صورة الذهنیه است. شبیه صورت علمیه معلوم بالذات و معلوم بالعرض است. که علم، یک صورت ذهنیه است. و معلوم بالذات هم صورت ذهنیه است. و آنچه در خارج است، معلوم بالعرض است. ایشان می گوید: در ذهن یک صورت به حمل اولی داریم، و یک صورت به حمل شایع ذهنی داریم. و صورت به حمل اولی، فانی در صورت به حمل شایع است. و یک واقعیت خارجی داریم که مَفنی فیهِ بالعرض است نه بالواقع و بالذات. به تعبیر دیگر متعلق، ماهیت و طبیعتی است که فانی در صورت ذهنیه است. و البته صورت ذهنیه هم یک فنای بالعرض دارد، که در خارج است. و از آنجا که جدای از هم هستند، نمی توان گفت فنای بالذات در خارج دارد. و لذا خارج، در این تصویر هم مَفنی فیهِ بالعرض است. لذا مرحوم اصفهانی، آقای بروجردی، مرحوم امام و شهید صدر می فرمایند: خارج، نمی تواند متعلق بالذات اوامر و نواهی باشد. و پایه استدلال ایشان نظریه مرحوم اصفهانی است که در سه نکته بیان شد.



اولاً حکم، ذهنی است و نمی‌تواند به خارج مرتبط شود.
ثانیاً حکم، اگر به خارج تعلق بگیرد، تحصیل حاصل است.
ثالثاً ایجاد، عین وجود است.

نقطه اشتراک علماء مذکور در این بحث این است که خارج، نمی‌تواند متعلق حکم باشد، و تفاوت دیدگاه این بزرگان در این است که مرحوم اصفهانی می‌فرماید: متعلق، وجود تقدیری است. یعنی صورت ذهنیه‌ای که فرض می‌کند وجود دارد. ولی امام می‌فرمایند: متعلق، ماهیت بما هی است.

علماء ذکر شده صاحبان نظریه جواز اجتماع هستند که در متعلق، این نظریه را دارند. و در نقطه مقابل امتناعی‌هایی هستند مثل صاحب کفایه، آقای وحید، آقای تبریزی، آقای مکارم، آقای خویی و امثالهم که بخشی از آن‌ها می‌گویند: متعلق، به نحوی خارج است. و قائل به امتناع هستند.

که ظاهر کلام صاحب کفایه این است. و در متأخرین انوار الاصول خیلی محکم می‌گوید متعلق اصلی خارج است.
مرحوم استاد آقای تبریزی می‌فرماید: متعلق بالذات، ایجاد به صورت ذهنی است. و ایجاد خارجی متعلق بالعرض است. ولی ایشان می‌گویند درست است که متعلق بالذات در ذهن است، و آنچه که در خارج است، متعلق بالعرض است، ولی آن متعلق بالعرض، درواقع اصل است و لذا باید آن را جدی گرفت. یعنی آقای تبریزی نمی‌تواند از اشکال مهم مرحوم اصفهانی بگذرد و بگوید متعلق در ذهن نیست و خارج است. و لذا باید قائل به امتناع شویم.

خلاصه

قائلین به جواز اجتماع می‌گویند: متعلق حکم، ذهن است. و خارج، یا متعلق نیست، و یا بالعرض، متعلق است. و متعلق، یا ماهیت بما هی است و یا صورت ذهنیه بما هی فانیة فی الخارج است.

قائلین به امتناع، دو نحله هستند که یا می‌گویند متعلق، خارج است - مثل انوار الاصول - یا می‌گویند متعلق، خارج نیست و ذهن است و خارج، بالعرض متعلق حکم است. ولی باید روی آن بالعرض حساب کرد.

در نتیجه صاحب کفایه و امتناعی اگر بخواهد مقدمه‌اش تمام باشد، باید بگوید. متعلق حکم، خارج است و یا اگر خارج نیست، مثل مرحوم آقای تبریزی بگوید باید خارج را به حساب آورد. لذا امتناعی الزاماً نباید بگوید متعلق بالذات خارج است، ممکن است بگوید خارج، بالعرض متعلق است، ولی این متعلق را باید به حساب آورد.